

تأثیر هویت بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه اول دبستان

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، تأثیر هویت بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه اول دبستان می باشد. روش کار توصیفی - تحلیلی و جمع آوری اطلاعات با بررسی نظری و مرور نتایج سایر پژوهش ها و ارائه مفاهیم مرتبط با موضوع مربوطه می باشد. به صورت کلی هویت در تأثیرگذاری بر انتخاب های فردی، روابط اجتماعی و سلامت روانی فرد نقشی حیاتی ایفا می کند. افراد با هویت منسجم معمولاً دارای اعتماد به نفس بیشتری هستند و توانایی بیشتری در مواجهه با چالش ها دارند. هویت یک فرآیند پویا و در حال تغییر است که تحت تأثیر تجربیات فردی، بازخورد اجتماعی و تغییرات محیطی قرار می گیرد. این تغییرات ممکن است در مراحل مختلف زندگی و به ویژه در دوران کودکی و بلوغ، انتقال به مرحله بزرگسالی، یا حتی دوران بازنشدگی بیشتر به وضوح قابل مشاهده باشد. به عبارتی می توان گفت: هویت کودکان آینده ی آن ها را شکل می دهد. کودک بخش اعظم از زندگی خود را در خانواده و در مدرسه می گذراند. بنابراین، شکل گیری صحیح هویت کودکان در دوره ی تحصیلی بخصوص ابتدایی در کنار محیط خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می باشد. پایه ی ابتدایی مخصوصاً کلاس اول، پایه و اساس دوره های تحصیلی دانش آموزان را در مقاطع بالاتر رقم می زند و توجه به این مهم می تواند تأثیرات بسیار مثبتی را در نظام آموزشی کشور ایجاد کند.

کلید واژگان: سبک هویت، کودک، دانش آموزان، عملکرد تحصیلی

۱- مقدمه

ایجاد یک هویت و دست یابی به یک تعریف منسجم از خود، مهمترین جنبه رشد عمومی اجتماعی است. انتخاب ارزش ها، باورها و هدف های زندگی اصلی ترین مشخصه های اصلی این هویت را تشکیل می دهد. شکل گیری هویت با خود پنداره، عزت نفس و سلامت روانی فرد رابطه ی جدایی ناپذیر دارد. شرایط پر آشوب زمانه ی ما که هر لحظه سلامت عمومی فرد را تحدید می کند، ایجاب می کند شناخت روشن از هویت خود داشته باشیم. ثباتی را که نمی توانیم در دنیا بیابیم باید در وجود خود ایجاد کنیم، از دیدگاه اجتماعی نیز هر فرد بایستی یکسری مسئولیت های فردی، خانوادگی و اجتماعی را بپذیرد، از این رو اثبات هویتی و آگاهی از ماهیت خویش، می تواند موجب سلامت روانی فرد شود (رحمتی، ۱۳۹۷). شکل گیری هویت تاریخچه گذشته فرد و توانمندی های مورد نیاز برای سلامت روانشناختی در بزرگسالی را در هم می آمیزد. رشد و تبلور احساس استقلال، تعیین هویت خود و مسئولیت پذیری و امیدواری به آینده در گرو نظام تربیتی کارا و جامع است. اگر در این نظام پاسخ قانع کننده به موضوعات اساسی زندگی مانند ارزش ها، نقش های اجتماعی، مذهب، عقاید سیاسی و اهداف حرفه ای داده شود و دانش آموز به فکری دست یابد تا تکیه گاه او در تصمیم گیری های مهم او باشد و بداند کیست و چه اهدافی دارد و نهایتاً یک فلسفه برای زندگی خود ایجاد کند (سیمپسون، ۱۹۹۸). به منظور درک بهتر، در ابتدا با معنی و مفهوم هویت آشنا می شویم:

هویت^۱ در لغت به معنای، «ویژگی یا کیفیتی است که موجب تمایز و شناسایی کسی از دیگران می شود» (دهخدا، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، هویت عبارت از مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسان است که به رسایی و روانی بر ماهیت یا ذات گروه، به معنی یگانگی یا همانندی اعضای آن با یکدیگر، دلالت کند و آن ها را در یک طرف زمانی و مکانی معین به طور مشخص و قابل قبول و آگاهانه از سایر گروه ها و افراد متعلق به آن ها متمایز سازد. هر فرد آدمی مایل است به اینکه هویت خاصی داشته باشد، از این روی می کوشد که خویشتن را دریابد و بشناسد. هویت، به شخص احساس عمیق، ارزشمند و قابل قبول می بخشد که در صورت تنها بودن نیز، احساس تنهایی و بی کسی نمی کند (امیدیان، ۱۳۸۹). هویت در کودکی به صورتی است که در طول زمان می تواند دستخوش تغییراتی قرار گیرد. به صورت کلی این گونه می توان گفت که در هر دوره ی زمانی و با توجه سطح فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره همچنین با سرعت پیشرفت جوامع، آگاهی از این دوران، ارتقاء نوع ارتباط، رفتار و آموزش با آنان افزایش پیدا می کند. به راستی دوران کودکی از با اهمیت ترین زمان حیات هر انسان می باشد. در این زمان حواس چندگانه ی ادمی تشکیل می شود و این مهم اساس آفرینش آینده ی او می باشد. دوران کودکی مرحله ای در راه بزرگسال شدن است (ذکایی، ۱۳۹۵).

۱-۱. بیان مسئله

مقطع ابتدایی به ویژه کلاس اول دبستان در همه ی نظام های آموزشی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار می باشد. آموزش ابتدایی زمینه ساز عملکرد آموزشی مناسب کودکان در سایر مراحل تحصیل در آینده است. این مهم موجب می شود تا کودک در امر یادگیری آموزش هایی چون خواندن، نوشتن و غیره که زمینه ساز تسلط کودکان بر سایر دروس درسی می باشد توانایی لازم را بدست آورد، که خود عامل مهمی در اشتیاق کودکان به درس و مدرسه می باشد. آموزش و پرورش و فضای آموزشی را می توان اساسی ترین سرمایه جامعه دانست زیرا علم و دانش ثروت گرانمای مردم است که هرگز به خطا نمی رود و هرچه دانش بیشتری به اشتراک گذاشته شود،

¹ Identity

جامعه پیشرفته‌تری خواهیم داشت. شناخت آسیب‌های شخصیتی کودک در این بازه‌ی زمانی و تلاش برای برطرف کردن آن و ایجاد کیفیت در آموزش و استفاده از تکنیک‌های آموزشی نوین و تلفیق این دو با هم باعث رسیدن به دو امر اساسی یک شکل دهی هویتی سالم و دو بالابردن سطح عملکرد تحصیلی دانش‌آموز در تمام مقاطع تحصیلی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که در مقطع ابتدایی با وضعیت درسی ضعیف روبرو هستند در همه‌ی دوره‌های تحصیل نیز دچار کناره‌گیری یا دلزدگی تحصیلی می‌شوند. به این دلیل کشورهای پیشرفته تمام تلاش خود را برای تقویت وضعیت روحی، روانی و درسی دانش‌آموزان و دانش‌آموزان در این مقطع می‌کنند، که در نهایت این امر زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای سالم‌تر و موفق‌تر می‌شود.

۱-۲. ضرورت

به دلیل اهمیت نقش دوره‌ی ابتدایی به ویژه کلاس اول در ایجاد دلبستگی و جلوگیری از دلزدگی آن‌ها به محیط‌های آموزشی و مدرسه که خود امر مهمی است و در ایجاد محیطی امن، که در کنار محیط خانواده به پرورش و شکل دهی هویت کودکان و افزایش کیفیت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مقاطع بعدی و حتی می‌توان گفت؛ در شکل‌گیری آینده دانش‌آموزان می‌باشد توجه به این مهم از ضرورت بسیار زیادی برخوردار می‌باشد.

۱-۳. بیان اهداف

در مجموع باید توجه‌ای ویژه به مدرسه و به خصوص دوره‌ی ابتدایی که یکی از پایه‌های اساسی تشکیل و ایجاد هویتی سالم و کاربردی برای دانش‌آموزان می‌باشد، نمود. با این ترتیب، از ایجاد اختلالات هویتی که تأثیر منفی در روند تحصیلی دانش‌آموزان دارد جلوگیری می‌شود.

۱-۴. سوالات پژوهشی

- این سوال پیش می‌آید که در مقاطع تحصیلی کدام مقطع نقش بیشتری در محقق شدن این امر ایجاد می‌کند؟
- تمرکز در چه مواردی می‌تواند پیوند و پرورش هویت کودکان را با دوره تحصیلی و بهره‌وری بیشتر از آن را ایجاد و افزایش دهد؟

۱-۵. مبانی نظری تحقیق

مطالعه‌ی تحقیق در خصوص تأثیر هویت بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه اول دبستان موضوعی پرکاربرد در روانشناسی و علوم تربیتی است. این موضوع می‌تواند به صورت تئوری و حتی تجربی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به عنوان یک مثال، از جمله مبانی نظری می‌توان به نظریه‌های تفاوت سبک‌های یادگیری و تأثیر آن بر عملکرد دانش‌آموزان اشاره کرد. چند نمونه از دیدگاه نظریه پردازان؛ کگان^۲ (۱۹۸۲)، شکل‌گیری هویت را بر اساس فرآیندهای تحولی که شامل شناخت و عاطفه است تبیین می‌کند. مارسیا^۳ (۱۹۸۷)، او هویت را با بکارگیری دو مفهوم شرح داد: کاوش و تعهد. کاوش مربوط به بحران می‌شود. آن تمایزهای شناختی و رفتاری را نشان می‌دهد. تعهد، به عبارتی دیگر، یک فرآیند تصمیم‌گیری است. هویت و سبک‌های آن از اهمیت بسیاری برخوردارند و می‌توانند تأثیرات مهمی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشند. سبک‌های هویت اشاره به روش‌هایی دارد که افراد برای ارتباط برقرار کردن با دیگران و تعامل با محیط اطراف خود استفاده می‌کنند. این سبک‌ها می‌توانند تحت تأثیر فرهنگ، آموزش، خانواده، دوستان و تجربیات زندگی شکل گرفته و می‌توانند تأثیرگذار بر شخصیت، رفتار و انگیزه‌ی دانش‌آموزان باشند.

^۲ Kegan

^۳ marsia

۲- روش شناسی

روش کار توصیفی- تحلیلی و جمع آوری اطلاعات با بررسی نظری و مرور نتایج سایر پژوهش ها و ارائه مفاهیم تأثیر هویت بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه اول دبستان انجام شد.

۳- بحث درباره یافته ها

۳-۱. مفهوم شناسی

۳-۱-۱. هویت^۴

هویت از کلمه «هو» که ضمیر ذات خداوند (جل جلاله) است گرفته شده. به طور کلی، هویت یعنی هر چیزی که باعث نزدیک شدن انسان به خداوند می شه؛ چون منبع وجودی هر موجودی تنها خداست. حالا هویت فرهنگی بگوییم، انسانی بگوییم، فردی، منطقه ای، اجتماعی، ملی و غیره. تمام اینا وقتی معنای درست پیدا می کنند که روح خدایی در آنان دمیده شده باشه. مدل هویت، در نگاه هر کسی متفاوت، ولی وقتی این مدل از فرد به اجتماع منتقل می شه، تمدن ایجاد می شه و بعد هم فرهنگ حاصل از آن تمدن شکل می گیره. با شنیدن واژه هویت، چه چیزی در ذهن شما مجسم می شه، به چی فکر می کنید؟ اصلاً شاید به سؤال تو ذهنتون شکل می گیره که من کی ام؟ و در این جهان پهناور چه کار می کنم؟ کلاپ^۵ یکی از اندیشمندای غربی در تعرف هویت عنوان می کند: هویت شامل تمام چیزهایی می شه که در طول زمان و به صورت معتبر در مورد فردی سخن می گوید. هویت ما، در حقیقت، شخصیت ما، موقعیت ما، زندگی گذشته ما، گرایش های سیاسی و مذهبی ما و خلاصه طبقه اجتماعی ماست. یا بهتر بگوییم، هویت ملی ما شناسنامه ما در جهان؛ همه ما با هویتی که داریم شناخته می شویم (شیخاوندی، ۱۳۷۸). هویت، مقوله ای اجتماعی است. همه انسان ها به هنگام تولد، فارغ از اینکه در کجای زمین به دنیا می آیند و یا از چه تعلق قومی و قبیله ای برخوردارند، دارای ویژگی های یکسان نوع انسانی، در میان انواع موجودات زنده هستند و هیچ گونه تفاوت ماهوی با یکدیگر ندارند؛ بنابراین، مقوله هویت انسانی که در دوران رشد و تکوین انسان در جامعه شکل می گیرد، کاملاً اجتماعی و جامعه شناسانه است و ربطی به خون و نژاد و رنگ پوست و غیره ندارد. هویت، چستی هر چیزی است، به انسان که مربوط شود، منظور از آن مجموعه ای از خصوصیت های نسبتاً پایدار است که کسی دارای آن است و به اعتبار آن از دیگران متمایز می شود. این اصطلاح در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در روانشناسی فردی و جمعی و سپس در جامعه شناسی کاربرد فراوانی یافته است. می شود گفت که این اصطلاح رواج یافته برای اشاره به آن چیزی که "بحران هویت نامیده شد. به سخن دیگر موضوع مهم نه خود هویت، بلکه بحران هویت است. بحران هویت در دوره های گذار و تلاطم، یعنی در دوران های تغییرهای عمیق اجتماعی و فرهنگی، موضوع ذهن می شود. این الگوی ذهنی رواج کهنی دارد که زندگی و روح جمعی را با زندگی و روان فردی بسنجند. بر مبنای همین الگوی کهن، مفهوم هویت، که چستی متمایز کننده ی فرد را بیان می کند، بسط داده می شود تا جمع های بزرگ مثلاً ملت ها را هم در بر بگیرد. این بسط و تعمیم، معمولاً با بی احتیاطی های تحریف آمیزی همراه است. تصور می شود، که همان گونه که در مورد شخصی مثلاً به نام پروین یا پرویز سخن می گوئیم، می توانیم در مورد ملت ها نیز حرف بزنیم، در مورد ایرانی، عرب، ترک و همانند های این ها. بر این پایه تصور می شود که هر ملتی چونان فردی است که زمانی متولد شده، جبراً ژن خاصی دارد، در جریان رشد خصوصیات پایداری یافته و زندگی نامه ای دارد به نام تاریخ که درست مثل زندگی نامه ی فردی است. این باورها درست نیستند، اما رواج فراوانی دارند (عبداللهی، ۱۳۸۴).

⁴- Identity

⁵- Klap

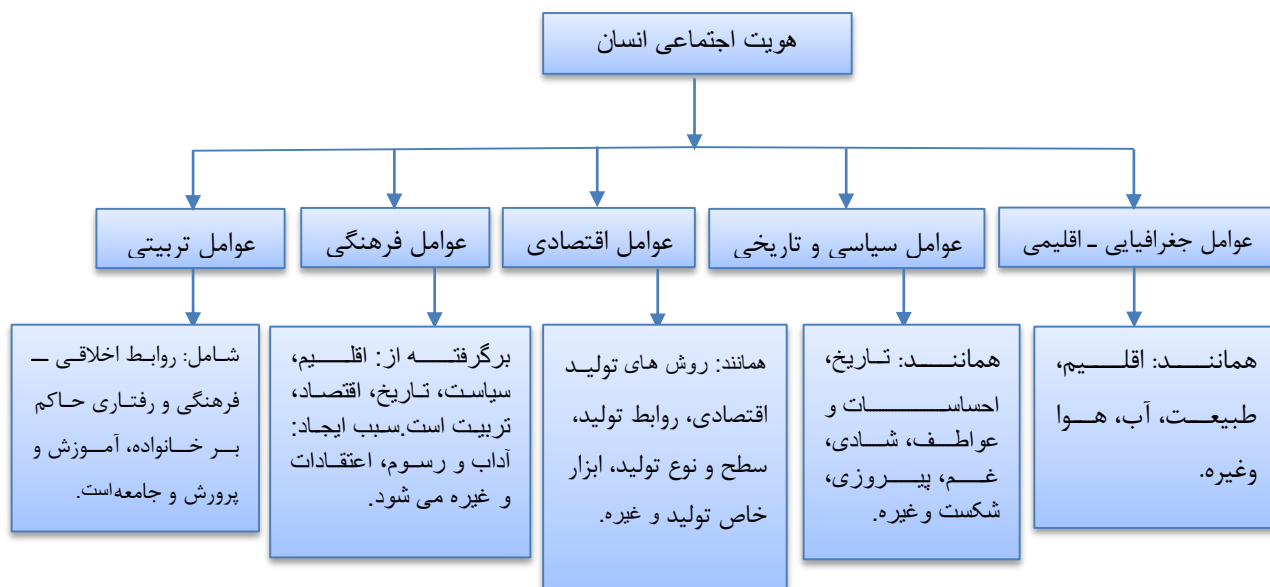
۳-۱-۱-۱. هویت فردی

اریکسون هویت فردی را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می کند. یعنی با وجود تغییر رفتار ها، افکار و احساسات، برداشت فرد از خود همواره مشابه است (غضنفری، ۱۳۸۷).

۳-۱-۱-۲. هویت اجتماعی

هویت اجتماعی، جایگاه فرد را در بین جمع مشخص می کند (غضنفری، ۱۳۸۷). به عبارتی دیگر تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با عنوانی خاص، که چنین تعلق خاطری موجب احساس همبستگی و شکل گیری یک واحد جمعی می شود که با عنوان (ما) از ماهای دیگر جدا می شود (لقمان نیا، ۱۳۹۰). هویت اجتماعی انسان، از عوامل بسیاری برگرفته شده است که رویدادها و تغییرات مقطعی، قادر به ایجاد تغییرات اساسی در بن مایه های آن نیستند و نمی توان با تکیه بر یک یا دو عامل تمایز، مثل زبان و یا اعتقادات، بین گروهی از انسان ها، با گروهی دیگر، اعلام هویت مستقل کرد. گروه انسانی بدون هویت و یا سلب هویت شده، روی کره زمین وجود ندارد، چرا که انسان در جامعه زندگی کرده و رشد یافته است و تکامل او، اجتماعی بوده است، نه انفرادی؛ بنابراین، هر انسانی، در هر جامعه ای که زندگی می کند (جدا از مسائل حقوقی و سیاسی در یک مقطع خاص تاریخی) دارای هویت مشخص اجتماعی و تاریخی است (زهیری، ۱۳۸۴).

۳-۱-۱-۲-۱. مؤلفه های هویت اجتماعی انسان



نمودار ۱. عوامل تأثیر گذار بر هویت اجتماعی فرد (مأخذ: نگارندگان)

۳-۱-۲-۱-۱. عوامل جغرافیایی - اقلیمی

به مجموعه عواملی گفته می شود که برگرفته از ویژگی های مربوط به اقلیم، طبیعت و آب و هواست، که در قرون و هزاره ها، می تواند بر نوع رفتار زیست محیطی افراد تأثیر گذاشته و هویتی اجتماعی خاص، یا احساس تعلق به خصوص را در یک گروه انسانی، از گذر

زندگی تاریخی، ایجاد کند؛ بنابراین، باید ریشه بخشی از احساسات مربوط به تعلق سرزمینی را در این عامل، جستجو کرد. این مهم، یکی از عوامل گسترده ایجاد هویت و احساس تعلق به یک گروه خاص انسانی است (امیدیان، ۱۳۸۹).

۳-۱-۱-۲-۲. عوامل سیاسی و تاریخی

به مجموعه عواملی گفته می‌شود که متأثر از سرنوشت سیاسی و تاریخی مشترک یک گروه خاص از انسان‌ها هستند. دقت شود که وقتی می‌گوییم: «یک گروه خاص از انسان‌ها»، منظورمان همزمان، آن گروهی از انسان‌ها هستند که می‌توانند در میان خود، شامل گروه‌ها و دسته‌های متعدد انسانی در حوزه‌های گوناگون جغرافیایی باشند (عبداللهی، ۱۳۸۳).

۳-۱-۱-۲-۳. عوامل اقتصادی

عوامل اقتصادی در احراز هویت مشترک عبارتند از: شیوه تولید اقتصادی، روابط تولید، سطح و نوع تولید، ابزار خاص تولید و امکانات تولیدی یک گروه به خصوص از انسان‌ها که در یک اقلیم مشخص تاریخی، زندگی کرده و می‌کنند. بسته به اینکه این گروه انسانی مفروض، از گذر یک جریان (پروسه) تاریخی، در هر یک از عوامل نامبرده، متأثر از چگونه نظامی بوده‌اند، دارای ویژگی‌های مشترکی می‌شوند، که این ویژگی‌ها، نوعی خاص از احساس مشترک و تعلق تاریخی را ایجاد می‌کنند؛ برای نمونه، قرن‌ها حاکمیت نظام زمینداری (فئودالیسم) در بین ملل اروپایی و یا حاکمیت نظام ارباب و رعیتی در ایران، منجر به ایجاد دو نوع متفاوت از احساس مشترک، نسبت به روابط تولیدی و رابطه انسان با انسان و انسان با زمین، در بین این دو گروه انسانی شده‌اند (احمدلو، ۱۳۸۳).

۳-۱-۱-۲-۴. عوامل فرهنگی

عوامل فرهنگی، عواملی هستند که از گذر زندگی مشترک اجتماعی و تحت تأثیر نوع روابط انسانی حاکم بر جوامع و متأثر از همه عوامل اقلیمی، سیاسی، تاریخی و اقتصادی، ایجاد می‌شوند. این تأثیرات در صورت تداوم تاریخی، زمینه‌های پیدایش نوعی خاص از جهان بینی، اعتقادات، زبان مشترک، هنر و سنن و آداب و آیین‌های اجتماعی منحصر بفرد را فراهم می‌آورند. این عوامل، به دلیل اینکه در زمانی نسبتاً طولانی ایجاد می‌شوند، به همان نسبت ماندگارتر و مستحکم‌تر از عوامل دیگر هستند و بخش اصلی از هویت اجتماعی انسان را شکل می‌دهند. عوامل فرهنگی به مرور زمان تغییر شکل می‌دهند و ممکن است تضعیف و یا تقویت شوند، اما بن‌مایه‌های تاریخی آن‌ها، کمتر دچار تحولات آنی و دوره‌ای می‌شوند. بسته به اینکه انسان، در هنگام تولد در کدام حوزه فرهنگی قرار گیرد، طبیعتاً احساس هویت اجتماعی او دارای مشخصه‌های منحصر بفرد همان حوزه (در آینده) می‌شود. این مشخصه‌ها، با انسان و رشد اجتماعی او، از طرف محیط زندگی، محیط آموزش، محیط کار و مجموعه روابط اجتماعی، به وی، خودآگاه و یا ناخودآگاه، تزریق می‌شوند. همچنین اراده انسان بالغ، کمتر می‌تواند در این ماندگارهای ریشه‌دار، تغییر ایجاد کند، بلکه حداکثر، سمت و سوی رفتار اجتماعی را می‌تواند تا اندازه‌ای تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین، هویت فرهنگی، امری نیست که از کسی گرفته شود یا بتوان به زور به وی تحمیل کرد. این هویت، در واقع، هسته اصلی تشکیل دهنده شخصیت اجتماعی انسان است و برای همین، طلبدنی و خواستنی نیست (تاروردی زاده، ۱۳۸۸).

۳-۱-۱-۲-۵. عوامل تربیتی

آخرین عامل تأثیرگذار در شکل‌گیری هویت اجتماعی انسان، عامل تربیتی است. این عامل، خود برگرفته از عواملی همچون، نوع روابط اخلاقی - فرهنگی و رفتاری حاکم بر خانواده، آموزش و پرورش و همچنین جامعه است. هر یک از این سه حوزه، بخشی از حوزه نفوذ تربیت انسان را شکل می‌دهند، ولی بسته به اینکه هر یک از عوامل نامبرده، چقدر گسترده‌تر عمل کنند و انسان مورد نظر را

تحت پوشش آموزه‌های خود قرار دهند، تربیت انسانی را می‌توانند در حوزه نفوذ خود بگیرند. امروزه، آموزش و پرورش و جامعه (به ویژه بخش مربوط به رسانه‌ها) سهم عمده تری نسبت به عامل خانواده، بر عهده گرفته‌اند و شاید به همین دلیل نیز باشد که تشابه بیشتری در میان گروه‌های انسانی، دیده می‌شود (سفیری، ۱۳۸۴).

۳-۱-۱-۳. هویت فرهنگی

از نظر کاستل^۶ هویت به زندگی اشخاص مفهوم می‌دهد و هویت در کودک روند ساخته شدن معنا بر اصول و قواعد یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند (کاستلاها، ۲۰۰۹: ۷). از هویت به معنای مشخصه‌ی ویژه‌ی شخص و متمایز کننده‌ی او از دیگران گرفته (آسلون^۷، ۲۰۰۲) تا هویت به عنوان پدیده‌های جمعی که تا تفکر و رفتار به صورت جمعی اجرا نگردد آن نیز حاصل نخواهد شد، یاد می‌شود (خانیک، ۱۳۸۳: ۱۰). بنابراین، هدف هویت را می‌توان با پسوندهای آن دشوار و وسیع نمود؛ همانند هویت فردی که دربردارنده‌ی هویت جنسی و غیره می‌باشد و هویت اجتماعی که دربردارنده‌ی هویت نژادی، هویت دینی، هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت قومی، هویت ملی، هویت جهانی و غیره می‌باشد، که هر کدام از این مفاهیم در کنار هویت، هدف تحلیل را مشخص می‌سازند (جلالی پور، ۱۳۸۲: ۱۴-۱). ویژگی‌هایی که اجزاء تشکیل دهنده‌ی یک فرهنگ در جامعه هستند، از طریق آمد و رفت روزها نتیجه‌ی به خصوصی را خلق می‌کند که هویت و روح کلی کشورهاست که آن، ویژگی خاص شخصیتی افراد را تشکیل و تربیت می‌کند. به این ترتیب هویت، نوعی از دانایی و شناخت به خود، اجتماع، وقایع و آینده را القا می‌کند. در مجموع، هویت و فرهنگ با یکدیگر ارتباط و پیوند مستقیم و عمیقی دارند که اکثراً هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌نامند و برای فرهنگ، جایگاه ویژه و خاصی را در هویت قائل می‌شوند (بیرو، ۱۳۷۰: ۷۷). اصلی‌ترین و مهم‌ترین متصوره‌ی که یک فرد در دوره‌ی حیات با آن روبرو می‌شود، در جریان تصویر گرفتن هویت وی است. اگر فردی قادر نباشد هویت شخصی و اجتماعی خود را در دوران کودکی و نوجوانیش به شیوه‌ی درست و معقول از طریق آموزش و پرورش، به روش اکتسابی تصویر دهد، و یا در مکانی باشد که شرایط نامساعد محیطی بر آن حاکم باشد در فرد بحرانی که به آن «بحران هویت» و یا «گم گشتگی شخصیتی» می‌گویند مواجه تصویر می‌گیرد که دوران حیات وی را به چالش می‌کشد (فریدنیا، ۱۴۰۲).

۳-۱-۱-۴. هویت انسان از دیدگاه قرآن

انسان در نگرش دینی و قرآنی نه موجودی تماماً پیش ساخته و محکوم سرنوشت و تقدیر جبری است، و نه موجود تهی، رها و به خود واگذار شده *أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى*، آیا او می‌پندارد که او را بی تکلیف گذارد؟ بلکه انسان سرشار است از تمایلات، استعدادها و انگیزه‌های خیرخواهانه و شیرانه است. (قیامت/۳۶) *فَالْهَمَّهَا فَجُوزَهَا وَتَقَوَّاهَا*؛ اما در این آمیختگی، جهت گیری و جانب غالب، خیر، کمال و نیکی است. (شمس/۸) اثبات این که جهت گیری مسلط در خمیرمایه انسان خیر نیکی است از چندین راه میسر است:

۱- گروهی از آیات قرآنی انسان را دارای گرایش فطری به سوی خداوند به عنوان کمال و خیر مطلق توصیف می‌کند: *فَطَرَهُ اللَّهُ أَتْلَىٰ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا*، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. ، *يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ*، (انشقاق/۶) ای انسان همانا تو سخت کوشایی به سوی پروردگارت. چه کوششی؟ پس بدو خواهی رسید (شیخاوندی، ۱۳۷۸).

^۶ Castell

^۷ Olson

۲- شمار دیگری از آیات قرآنی و متون وحیانی از کرامت ذاتی و برتری او بر سایر موجودات سخن می گوید: وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء/۷۵) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن ها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم (رشاد، ۱۳۸۹).

اگر این کرامت در سرشت و ذات انسان پیش از هر عمل و رفتاری وجود دارد، نشانگر آن است که انسان جماد نیست، نبات نیست و حیوان نیز نیست، بلکه نهاد و سرشت نیک و خیر او مایه برتری او شده و او را بر سریر خلافت الهی در زمین نشانده است. وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً، (تین/۵) چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت. چه اگر سیرت و فطرت نیک انسان بر شرارت و بدخواهی او چیره نمی بود، سزاوار خلافت و جانشینی پروردگار نمی گردید. و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آن ها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم (معمار، ۱۳۷۸).

۳- خداوند در قرآن آفرینش انسان را با سوگندها و تأکیدهای مکرر ستوده و برترین آفرینش میسور و ممکن به حساب آورده است: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ، براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. حسن تقویم انسان به زیبایی اندام و بدن نیست؛ چه قوام و استواری اندام، ویژه انسان نیست. افزون بر این در آیه دوم خداوند از یک سیر قهقهه رایی برای انسان خبر می دهد: ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ (بقره/۳۵)، سپس او را به پست ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم. این برگشت اولاً نشان می دهد که انسان به سوی راهی در حرکت بوده است. دوم این که راه نخست انسان به سوی والایی و بلندی و بزرگی بوده است. و این بازگشت به سوی قهقهه را و تنزل و پستی است. سوم این که آن رفتن نخستین، مقتضای طبع نخستین انسان، و بازگشت به پستی و دنائت، نوعی برگشت و پشت کردن سویه اصلی و حالت ثانوی برای انسان است. بدین سان آیه مبارکه می فهماند که انسان در نهاد و سرشت خویش به برترین سیرت که حرکت و سیر کمالی و علو و رفعت و تعالی دارد آفریده شده است (حجازی، ۱۳۸۵).

نگرش نیک انگارانه قرآن و اسلام از سیرت انسانی و کرامت و شرافت جملگی فرزندان آدم، نظام حقوقی برابر را در پی آورده است. افراد انسانی از آن جهت که انسان هستند، در حقوق طبیعی هرگز تفاوت و امتیازی بر یکدیگر ندارند، تفاوت های حقوقی در مسیر حیات افراد انسانی و از ناحیه عملکرد خود آن ها پدید می آید؛ زیرا طبیعت برابر و متساوی انسان ها نمی تواند اختلاف در حقوق و امتیاز یکی بر دیگری را برتابد. وحدت و یگانگی در سرشت و طبیعت لاجرم به وحدت حقوق می انجامد. چنان که این نگرش در مدیریت اجتماعی، نظام سیاسی و سامانه قدرت نیز تأثیر خویش را بر جای می نهد، همگان در نظام سیاسی و اداره امور اجتماعی حق مشارکت، دخالت و نظارت دارند «و شاورهم فی الأمر»؛ و در کارهای اجتماعی با آنان مشورت کن. درست است که در نظام های دینی، رهبری و زمامداری بدون داشتن بایستگی های مربوطه میسر نیست و تنها از آن گروه ویژه ای از انسان ها شمرده می شود، اما به خاطر فقدان معصومین از جانب وحی زمینه کسب شرایط بایسته رهبری سیاسی در دسترس عموم انسان ها می باشد و هر کس می تواند خود را بدان آرایه ها بیاراید (گنجی، ۱۳۷۸).

۳-۱-۲. سبک های هویت

۳-۱-۲-۱. نظریه سبک هویت برزونسکی^۸

ایجاد یک هویت و دستیابی به یک تعریف منسجم از خود، مهمترین جنبه رشد روانشناختی و اجتماعی است. انتخاب ارزش ها، باورها و اهداف زندگی نیز اصلی ترین جنبه هویت است. به یاد داشته باشیم که شرایط پرآشوب زمانه ما که هر لحظه سلامت ما را تهدید می کند ایجاب می کند شناخت روشنی از هویت خود داشته باشیم. بی خبر از ماهیت خویش، نه می دانیم که کیستیم و نه می توانیم به خود یا دنیای اطرافمان اعتماد کنیم. به عبارت دیگر هویت علاوه بر ایجاد انسجام و یکپارچگی در شخصیت فرد، به نوعی مفهوم ذهنی فرد از خودش نیز می باشد. تعریف هویت اولین بار توسط اریکسون (۱۹۶۵) ارائه شد که در واقع نشان دهنده ترکیب مهارت ها، جهان بینی و همانندسازی های دوران کودکی است که به صورت یک کل کم و بیش منسجم، پیوسته و منحصر به فرد درآمده و برای نوجوان احساس تداوم گذشته و جهت گیری برای آینده را فراهم می کند. اریکسون والدین را مسئول ارائه یک چهارچوب فکری و جهان بینی می داند. بنابراین، پایه های اولیه خودپنداره ما در بافت خانواده یعنی توسط والدین و تجارب محیطی شکل می گیرد. پس بایستی بسیار مراقب رفتار خود با کودکان و نوجوانان باشیم چرا که در اکثر مواقع تصویری (چه مثبت و چه منفی) که آن ها از خود دارند بسیار شبیه تصویری است که ما برای آنان ساخته ایم (اسماعیلی انامق، ۱۳۹۱). جدیدترین نظریه در حوزه هویت، نظریه سبک های هویت برزونسکی است که الگویی شناختی- اجتماعی دارد. مدل پردازش شناختی- اجتماعی هویت به مطالعه راهبردها و فرآیندهایی می پردازد که افراد برای ساخت و اصلاح هویت خود به آن ها توجه کرده یا از آن اجتناب می کنند؛ بر اساس این دیدگاه، هویت ساختاری شناختی و چهارچوب ارجاعی شخصی است که برای تفسیر تجارب و اطلاعات مربوط به خود پاسخ به پرسش هایی درباره مفهوم معناداری و هدف زندگی به کار گرفته می شود. مدل شناختی- اجتماعی هویت بر سازندگی مبتنی است. یعنی افراد نقش های فعالی در ساختن تفکر خود درباره اینکه چه کسی هستند، ایفا می کنند.

جدول ۱. سبک های هویتی از نظر برزونسکی (مأخذ: نگارندگان)

نوع سبک	توضیحات
سبک اطلاعاتی	فرد در این سبک به صورت هوشیارانه به جست و جوی و بررسی اطلاعات می پردازد و در نهایت از اطلاعات و داده های مناسب استفاده می کند.
سبک هنجاری	فرد در مواجهه با مسائل به شیوه ای واکنشی و هماهنگ با انتظارات گروه های مرجع و دیگران عمل می کند و به صورت خودکار و بدون خودارزیابی، ارزش ها و باورها را درونی می کند. این سبک با ویژگی هایی مانند وظیفه شناسی مفرط، کمک خواهی، ناشکیبایی و میل شدید به ساختارمندی قضایا، خودپنداره پایدار و عدم تمایل به بررسی اطلاعات ناهمگام با ارزش ها و باورها رابطه دارد (حیدری، ۱۳۸۸).
سبک سردرگم- اجتنابی	اهمال کارند و تا حد ممکن سعی دارند موقعیت های تعارض بر انگیز و مستلزم تصمیم گیری را به تأخیر بیندازند، در تصمیم گیری هایشان از پیامد های محیطی استفاده می کنند. از روش های نامناسب مثل بهانه گیری و دوری کردن استفاده می کنند. برای رفتارهایشان الگوی خاصی نداشته و به صورت موقعیتی رفتار می کنند.

۳-۱-۲-۲. نظریه مارسیا^۹

مارسیا (۱۹۸۷) مفهوم نظری اریکسون در مورد هویت را از طریق گسترش پایگاه های هویت به عنوان وسیله ای برای مطالعه تجربی هویت توسعه داد. او هویت را با بکارگیری دو مفهوم شرح داد: کاوش و تعهد. کاوش مربوط به بحران می شود. آن تمایزهای شناختی و رفتاری را نشان می دهد. تعهد، به عبارتی دیگر، یک فرآیند تصمیم گیری است. با در نظر گرفتن وجود یا فقدان هریک از این دو معیار، کاوش و تعهد، در دوره ی شکل گیری هویت فرد می توان پایگاه های هویت فرد را تعیین کند. مارسیا با ترکیب فقدان یا وجود این معیارها به صورتی که در جدول زیر آمده است، چهار پایگاه هویت موفق، دنباله رو، بحران زده و سردرگم را مشخص نمود (امیدیان، ۱۳۸۹).

جدول ۲. پایگاه های هویت فرد مارسیا (مأخذ: نگارندگان)

نوع هویت	توضیحات
هویت سردرگم	مرحله ای از توقف در روند زندگی که ویژگی آن حالت آشفتگی است. در سردرگمی هویت فرد هیچ گونه انتخاب ثابتی در مورد تعهدات خود ندارد و در اهداف و ارزش های خود هیچ جستجویی نمی کند. اگر هم در گذشته بحرانی را تجربه کرده باشند بدون آن که در پی آن تعهدی ایجاد کرده باشند کاوش خاتمه یافته است. مشخصه اصلی این نوع هویت بی تفاوتی همراه با فقدان تعهد و جستجوگری است. این افراد عمدتاً بی تفاوت و بی علاقه هستند و نقش های اجتماعی را امتحان نموده، به سرعت ترک می نمایند و خود را به دست سرنوشت و شانس می سپارند و هر کاری که جماعت انجام دهند با آن ها هم داستان می شوند، عزت نفس کمی دارند، تکانشی هستند و تفکری نا منظم دارند (محمدی، ۱۳۸۴).
هویت دنباله رو	گروه دنباله رو از نظر تعهد به اهداف و برنامه های زندگی در سطح بالایی قرار دارند ولی فاقد تجربه کاوش هستند. زمینه اصلی در پایگاه هویت دنباله رو، اجتناب از انتخاب و خود مختاری است. افراد دارای هویت دنباله رو در حالی که جستجوگری اولیه را نداشته اند به دسته ای از اهداف، ارزش ها و عقاید تعهد دارند (گنجی، ۱۳۷۸).
هویت بحران زده	این پایگاه با جستجوگری فرد، اما بدون دسترسی به تعهد کافی توصیف می شود. از نظر تحولی مقدم تر از پایگاه هویت موفق می باشد. این پایگاه به معنای جستجوگری فعال همراه با تعهد اندک است. در این حالت هویت، فرد نیاز دارد که خود را در تجارب مختلف بیازماید تا به شناخت عمیقی در مورد خود برسد. حالت وقفه ی هویت ممکن است همراه با پریشانی و استرس باشد و در نتیجه این افراد در مقایسه با سایر حالت ها بیشتر تمایل دارند که مدت کمتری در حالت تعلیق باقی بمانند. وضعیت بهینه و آرمانی بر طبق نظریه ی اریکسون و مارسیا، وضعیت تعلیق هویت است (عبداللهی، ۱۳۸۴).
هویت موفق	رویارویی با بحران های شخصی و تصمیم گیری متفکرانه می داند که در آن افراد نسبت به انتخاب های گوناگون و دشواری که زندگی برایش فراهم آورده است آگاه می گردد. هویت موفق نشان دهنده تعهدی است که پس از دوره ای از جستجوگری به دست می آید. این حالت هویت، پایگاه فردی است که بحران هویتی را پشت سر گذارده و به هویت مشخص متعهد شده است. این افراد، برخی خصیصه های شخصیتی مانند سطح بالایی از انگیزه پیشرفت و عزت نفس و روان رنجور، خویی پایین و پیروی از وجدان و برونگرایی بالایی را نشان داده اند. هویت پیش رفته، استفاده کمتر از مکانیزم های دفاعی، و سطح پایینی از کمرویی، همچنین سطح بالایی از کنترل درونی نسبت به پایگاه های هویت دیگر نشان داده اند. در اصطلاحات فرآیند شناختی، افراد با هویت پیشرفته توانایی بهتر عمل کردن در شرایط فشارزا، کار برنامه مند، عاقلانه، و راهبردهای تصمیم گیری منطقی، نسبت به دیگر پایگاه ها نشان داده اند. این گروه همچنین، سطح بالایی از استدلال اخلاقی راجع به موضوعات عدالت و مراقبت، همچنین رشد خود و توالی رشد خود نشان داده اند. در رابطه ی میان فردی، افراد با هویت پیشرفته، نسبت به دیگر پایگاه های هویتی سطح بالایی از صمیمیت را نشان داده، قادر به توسعه ارتباطات بین فردی دو طرفه با دوستان دور و نزدیک، و صادقانه علاقه مند به دیگران بوده و رضایت بیشتری از آشکارسازی خود به دیگران و الگوهای بسیار ایمن را در پیوستگی به خانواده شان نشان داده اند (چلبیانلو، ۱۳۸۲).

۳-۱-۳. آموزش و پرورش

برعکس زمان گذشته، آموزش و پرورش امروز و آینده به معنای روند دائم فهم و یادگیری توسط هر انسان و هر جامعه است. یکی از اهداف تازه آموزش و پرورش تغییر در نوع و درصد یادگیری است. کسب دانش، پرورش هوش، استعداد، شناخت خود و آگاهی از موهبت‌ها و استعدادهای خویش، به کار انداختن قوای ذهنی خلاق و پرتخیل، غلبه بر انگیزه‌های نامطلوب و ویرانگر، ایفای نقش مسئولانه و غیره از جمله هدف‌های آموزش و پرورش نوین است (کینگ و اشنایدر، ۱۹۹۰).

۳-۱-۳-۱. آموزش و پرورش کودکان

بعد از فضای خانواده مدارس جایگاه خاصی در کردار و اعمال و احساسات کودکان دارد. به عبارتی اگر ذات آدمی ریشه اولیه را ایجاد کرده باشد و تعلیم و تربیت والدین آن را آماده پذیرش کرده باشد، آموزش و پرورش وظیفه‌ی پروراندن و ساختن را ایفا می‌کند. کودکان در مراکز آموزشی درک و فهمی از همراهی، همیاری، همدستی، هم آوردی، هم آهنگی، هم خوانی، انعطاف پذیری، رسم و رسوم همنشینی، عزت نفس و کرامت نفس، انضباط و احترام به حقوق دیگران را یاد می‌گیرند که اساس و قاعده‌ی زندگانی آن‌ها در جامعه است. کودکان یاد می‌گیرند که در خانواده به تصویر غریزی به او عشق و مهریانی می‌کنند، ولی در مدارس تا زمانی که مهریانی و دوستی نبینند به آن محبت نمی‌کنند. اصولاً کودکان باید از سه نظر به تصویر اساسی تعلیم و تربیت شوند که آن سه اصل عبارتند از: تعلیم تمرکز، تعلیم تخیل، تعلیم هویت. مدارس همانند کارخانه‌ای است که مواد خام آن کودکان هستند و آن‌ها را در قالب مخصوصی از رفتار و کردارها می‌ریزند که برای اغلب گروه‌ها و قشرها مناسب خواهد بود. در تربیت شخصیت کودک باید اصل اعتدال را رعایت کرد و در برابر تند خویی‌های کودک نرمی مخصوصی نشان داد. نکته مهم این که کودک احتیاج شدیدی به لطف و نوازش دارد و در این دوره او احتیاج زیادی به محبت دارد (عالی & آمنه، ۲۰۱۹).

۳-۱-۴. انتخاب شیوه مناسب آموزشی

ژان پیازه در ارتباط با برنامه‌ریزی و سازماندهی‌های آموزشی اینگونه می‌گوید که تربیت کردن برای من عبارت است از آموزش و پرورش دادن اشخاص خلاق، حتی اگر تعداد آن‌ها زیاد نباشد، حتی اگر آفرینش‌های یکی نسبت به دیگری محدود باشد. باید انسانی باهوش، سازنده و نوآور پرورش داد و نه دنباله‌رو و تبعیت‌جو (طالب بیدختی، ۱۳۸۷). فضای محرک یکی از شیوه‌های با اهمیت برای ایجاد و درخشش خلاقیت و یادگیری می‌باشد. رشد و پرورش خلاقیت و ایجاد هویتی سالم و منسجم در آموزشگاه‌ها احتیاج به پروراندن خلاقیت و ابتکار مدیران، معلمان و همچنین پروراندن خلاقیت دانش‌آموزان است. لذا برای رسیدن به این مهم می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

۱- معلمان را باید برای داشتن خلاقیت بیشتر تشویق نمود ۲- دقت و ارزش نهادن به خصوصیات و کارکرد دانش‌آموزان ۳- تأیید و تشویق و پرورش روحیه‌های خلاق ۴- استفاده از روش‌های مشارکت دانش‌آموز در تدریس و یا نظم‌دهی به کلاس ۵- استوارسازی خصوصیات خلاق در مدیریت ۶- ایجاد ارتباط مؤثر بین آموزگار و دانش‌آموزان و دانش‌آموزان با یکدیگر ۸- فراهم آوردن کارگاه‌هایی به منظور پروراندن ابتکار در آموزشگاه‌ها برای آموزگاران، مربیان و دانش‌آموزان به صورت مجزا از هم. آموزگاران نیز دلیل اصلی تقویت خلاقیت در مدارس و به خصوص پروراندن خلاقیت و هویت سالم دانش‌آموزان در مدارس می‌باشند. در حال حاضر، تجزیه، تحلیل و بررسی این امر مورد توجه عالمان، تحلیلگران و برنامه‌ریزان آموزشی است. نظام‌های آموزشی با برنامه‌ها، هدف‌ها، دستور کارها، محتوا و سایر عوامل آموزشی خود جایگاه تأثیرگذاری در پیشرفت یا پسرفت خلاقیت و یادگیری و ایجاد هویت سالم دانش‌آموزان دارند و معلمان در این زمینه جایگاه راهبردی ادا می‌کنند (حسینی، ۱۳۸۵).

۳-۱-۵. مدرسه

قبل از اینکه مدارس به سبک مدارس اروپایی به وجود بیایند مدرسه به فضاها و مکان‌هایی گفته می‌شد که در آن دانش‌آموزان مشغول به تحصیل علم دینی می‌کردند و تشکیل شده بود از عناصری همچون: حیاطی بزرگ با ساختمان‌هایی یک طبقه و دو طبقه که ضمیمه‌ی مسجدی بوده یا به صورت مستقل تنها به خاطر مدرسه‌ی طلاب دین احداث می‌گردید. اتاق‌های آن را حجره می‌گفتند که هر حجره شامل ایوان و یک اتاق و یک پست و یا صندوق خانه بود و در هر حجره یکی تا چند طلبه منزل می‌کردند (شبان، ۱۳۸۸). مدرسه (واحد آموزشی) بر اساس ماده یک آیین نامه اجرایی آموزش همگانی وزارت آموزش و پرورش «مدرسه سازمانی است که بر مبنای معیارهای رسمی تأسیس می‌شود و با نظارت ادارات آموزش و پرورش، مسئولیت اجرای برنامه‌های مصوب پرورشی و آموزشی کشور را در سطح تحصیلی معین عهده دار می‌گردد. در این آیین نامه مدرسه هر یک از مکان‌هایی را که تحت عنوان دبستان، راهنمایی و آموزش عمومی بزرگسالان برای اجرای برنامه‌های آموزش همگانی تأسیس می‌شود، در بر می‌گیرد (نشریه ۲۳۲).

۳-۱-۵-۱. رفتار در مدرسه

نظام مدرسه را می‌توان شامل دو طبقه از پدیده‌ها در نظر گرفت که همزمان از بابت معانی خودمختار و از بابت پدیدار شناختی متعامل هستند. از یک طرف، نهادها و بنیادهایی هستند با جایگاه‌ها و خواسته‌های تعیین شده که اهداف نظام را محقق می‌کنند و از طرف دیگر، اشخاصی هستند با هویت‌های تعیین شده و تمایلات مشخص که در آن نظام زندگی می‌کنند، و تعامل‌های آنان آن چیزی را که رفتار اجتماعی می‌خوانند، شامل می‌شود. رفتار در مدرسه را می‌توان تابعی از این دو متغیر اصلی تصور کرد:

- ۱ - بنیان، جایگاه و خواسته‌ها، که در کنارهم به جنبه هنجاری فعالیت در یک نظام اجتماعی سازنده و مبتکر می‌شود.
- ۲ - شخص، هویت او، و تمایلات وی، که در کنارهم به جنبه شخصی فعالیت در یک نظام اجتماعی اطلاق می‌شود (گنزلز، ۱۹۸۹).

۳-۱-۶. کودک

کودک به انسان خردسال می‌گویند. همچنین، کودک در ادبیات فارسی به مترادف کلمه‌ی بچه است. واژه‌ی کودک از ریشه‌ی واژه‌ی پهلوی کوک^{۱۰} به معنای کوتاه و با واژه‌های کوتاه و کوچک هم‌خانواده است (دهخدا). برای اولین بار در حدود ۱۶۰۰ میلادی معنی کودک به منزله معنایی مستقل است (وندرزندن، ۱۳۸۳). پلومب^{۱۱} اعتقاد دارد که در قرون وسطی برای اسم گذاشتن یک شخص هفت تا شانزده ساله هیچ کلمه‌ای وجود نداشته است (پلومب، ۱۹۷۲). فروید^{۱۲}، اریکسون^{۱۳}، پیاژه^{۱۴}، بالبی^{۱۵}، ویگوتسکی^{۱۶}، کلبرگ^{۱۷} و دیگران با نظریه‌های خود، آگاهی و درک جامعی از روند کودک و نیازها و خواسته‌های او فراهم آوردند و با تبیین‌های خود شناخت بزرگ سالان از این دوره را وسعت دادند اما کودک چگونه درباره خود می‌اندیشد و دیدگاهش درباره نیازهای خود چه می‌تواند باشد؟ آیا برنامه‌هایی که ما برای او مناسب در نظر گرفته‌ایم با نیازهای واقعی در ذهن او مطابق است؟ جواب به این سؤال مستلزم فهم چگونگی تصویر گیری مفاهیم در ذهن کودک است (تلن ات ال^{۱۸}، ۱۹۹۲).

¹⁰ kuk

¹¹ Plumb

¹² Freud

¹³ Erikson

¹⁴ Piaget

¹⁵ Bowlby

¹⁶ Vygotsky

¹⁷ Kohlberg

¹⁸ Thelen et al

۳-۱-۶-۱. ادراک کودک از دیگران

از طریق کسب تجربه‌های اجتماعی و پیشرفت کردن در توانایی‌های شناختی به ویژه در کسب مهارت‌های بازی کردن و کسب توانایی در مفهوم سازی تفکر و احساسات، درکی که کودکان از دیگران پیدا می‌کنند؛ انتزاعی‌تر، پیچیده‌تر و بر ویژگی‌های روانی متمرکزتر می‌شود. در حقیقت، روندهای رشد در استنباط از دیگران به موازات تغییرات در خودپنداره و توصیف خود پیش می‌رود. در اواسط دوران کودکی، یعنی در حدود هشت سالگی تغییراتی عمده در نحوه‌ی ادراکات شخص ایجاد می‌شود، به خصوص کاربرد صفات انتزاعی که به ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و نگرش‌ها گفته می‌شود، افزایش می‌یابد (لیوسلی و بروسلی، ۱۹۷۳؛ پی وریز و سکورد، ۱۹۷۳). کودک کمتر به جنبه‌های سطحی افراد می‌پردازد و بیشتر قواعدی را برحسب موقعیت و زمان انتزاع و انگیزه‌هایی برای رفتار استنتاج می‌کند (شانتر، ۱۹۸۳).

۳-۱-۶-۲. روانشناسی و ادراک محیط ساخته شده

از دیدگاه روانشناسی، کودک موجودی است خردمند که جهان پیرامون خود را از زاویه دید خود و به طور خاص می‌بیند. او انسان‌های پیرامون خود را نگاه می‌کند، جانداران، اجسام و لوازم را می‌بیند و آن‌ها را می‌فهمد، ارزیابی، مقایسه و تحلیل می‌کند، فتوا می‌دهد، فرمان می‌دهد و فرمانش را مستقیماً خود اجرا می‌کند. عقل و درایت و جهان بینی کودک همانند: جهان بینی بزرگسالان، کامل و درهم نیست، اما برای او بسنده می‌کند. خیال‌پردازی و حقیقت در کودک به صورتی با هم ترکیب شده‌اند که برای بزرگسالان جدا کردن این دو قسمت ازهم، کاری بسیار سخت است، اما ذهن علمی، حسی و حرکتی برای کودکان برترین راهنماست (بالایان، ۱۳۷۰).

بنابراین برای این ارتباط، دو مرحله‌ی متمایز قائل شده‌اند. مرحله‌ی اول این که در یک دوره‌ی زمانی، کودکان نسبت به پدیده‌های بدون تغییر و قابل تغییر تجسس ویژه‌ای را انجام نمی‌دهد. در مرحله‌ی دوم او یاد می‌گیرد که چطور بین اجسام بدون تغییر و قابل تغییر، تمایز ایجاد کند. در این حال است که کودک اجسام بدون تغییر را اساسی برای دیگر اجسام قابل تغییر می‌داند. در این باره معنی فضا و تفکر فضا سرآغاز تریبی است از محل‌هایی که برای پیدا کردن یک مکان تکیه‌گاه وجودی، شرط لازم آن است. روش ارتباط میان کودکان و اجسام از موضوعات با اهمیت دیگر در درک محیط پیرامون می‌باشد. نخستین ارتباطی که به این فضاها نظامی منظم عطا می‌کند دارای ویژگی‌های موضعی بوده و همچنین قبل از تشکیل شدن اشکال و اندازه‌ها ایجاد می‌شوند. آگاهی موضعی به فاصله‌ها، اندازه‌ها، زاویه‌ها و سطوح و بعدها‌ی استوار مرتبط نبوده، ولی بر رابطه‌هایی همچون نزدیک، دور، داخل همدیگر بودن و محصور بودن را شامل می‌شود. به گفته صاحب نظرانی همچون شولتز این رابطه‌ها تقارن، توالی و ترادف، ترکیب و تداوم نام دارد (بی تا).

۳-۱-۷. عملکرد تحصیلی

عملکرد تحصیلی عبارت است از: موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل: درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت‌هایی توسط آزمودن‌های میزان شده تحصیلی اندازه‌گیری می‌شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می‌شود دلالت دارد. عملکرد تحصیلی به جلوه‌ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره‌ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره‌ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره‌های مختلف باشد (آسانی، ۱۳۸۱). عملکرد تحصیلی تنها شاخصی از نمرات و نتایج نیست، بلکه بازتابی از فرآیند یادگیری، رشد فردی، و توانایی‌های تفکر انتقادی، خلاقیت، و مهارت‌های حل مسئله است.

۳-۱-۷-۱. معیارهای عملکرد تحصیلی

در مورد معیارهای عملکرد تحصیلی باید گفت که عملکرد تحصیلی از راه های مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می شود، یکی از این معیارها معدل دانش آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن عملکرد تحصیلی، محاسبه نمرات دانش آموزان در یک درس است. شیوه دیگر استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می باشد و معیار آخر تعیین عملکرد تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگینی از یک گروه از دروس مختلف در حیطه موضوعی خاص یا میانگینی از دوره های مختلف تحصیلی، ملاکی برای عملکرد تحصیلی باشد، این ملاک ها مسائل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت. مثلاً کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کمتر است تا نمره ای که بر اساس ترکیب چندین نمره بدست می آید. کاربرد نمره های بدست آمده از دوره های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور بدست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله ای دشوار و غامض است، زیرا این گونه نمرات شامل نمرات است که از دوره ها و رشته های تحصیلی متفاوت بدست آمده است و در یک مقیاس واحد ترکیب شده اند، در صورتی که هر یک از دانش آموزان می توانند سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند (ذکریا پور، ۱۳۸۷).

۳-۱-۷-۲. مدرسه و عملکرد تحصیلی

در حالی که ممکن است آموزش به وسیله نهادهای مختلف اجتماعی، چون خانواده، وسایل ارتباط جمعی و همچنین از طریق تجربیات متنوع زندگی در اجتماع انجام گیرد، آموزش منظم عموماً به وسیله مدارس و دانشگاه ها به یادگیرندگان داده می شود. وظیفه اساسی آموزشگاه های سراسر دنیا تعلیم و تربیت جوانان است. با آنکه مقاصد و محتوای این تعلیم و تربیت در میان ملت ها و نیز در درون یک ملت متفاوت است، فرآیندهای آموزش همه مدارس بسیار شبیه به هم است. معلمان با رفتارهای خود به شکل گیری ادراک کفایت در دانش آموزان یاری می رسانند. اولین هدف معلمان باید برقرار کردن رابطه مطلوب، دوستانه و حمایت کننده با دانش آموزان باشد. چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش آموز حاصل می آید. آموزش بدون ایجاد رابطه معنایی نخواهد داشت و معلمان در همان آغاز کار خود پی می برند که نحوه برقراری ارتباط با دانش آموزان بسیار با اهمیت است (رفعت جاه، ۱۳۸۶).

۳-۱-۷-۳. انتظارات معلم و پیشرفت تحصیلی

در بُعد انتظارات، معلم نیز تأثیر انکار ناپذیری بر دستاوردهای دانش آموزان دارد. انتظارات واقع گرایانه معلم به عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمک مؤثری می کند. معلمان باید از دانش آموزان انتظاری داشته باشند که بیش از پیش عملکرد خود را بهبود بخشند، اما زیاده روی در این امر به فشارهای روانی و اضطراب در دانش آموزان و افت تحصیلی او منجر می شود. شانک^{۱۹} (۱۹۸۹) بر این باور است که انتظارات و باورهای معلم از دو جنبه بر عملکرد و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تأثیر می گذارد (فرزانه، ۱۳۸۷).

۳-۱-۷-۴. ارزشیابی و پیشرفت تحصیلی

آخرین اقدام آموزشی معلم تعیین نمره برای دانش آموز است. روش های مختلف نمره گذاری می توانند تأثیرات مختلفی بر پیشرفت و عملکرد یادگیرندگان داشته باشند. روش نمره گذاری معلم گاهی تأثیرات مثبت بر یادگیرندگان می گذارد و گاهی نیز این تأثیر منفی است. برای دانش آموزانی که معمولاً نمرات بالایی می گیرند، نقش تقویت کننده مثبت را ایفا می کنند. علاوه بر پیامد مثبت، نمرات بالا می توانند پیامدهای منفی نیز داشته باشند (سیف، ۱۳۸۶).

۳-۱-۲-۵. عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی

سال های متمادی است که محققان و پژوهشگران تعلیم و تربیت و روان شناسان اجتماعی مطالعات فراوانی در مورد عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان انجام داده و همیشه در نظر آن ها بوده است، چرا که عملکرد تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود و پژوهش های زیادی به بررسی عوامل مختلفی که می تواند بر عملکرد تحصیلی تأثیر داشته باشد، عواملی مانند: خانواده، محیط زندگی، مدرسه و برنامه های آموزشی اختصاص یافته است. مطالعه عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی مسأله پیچیده ای است که چرا که پیشرفت عنصری چند بعدی است و به گونه ای ظریف به رشد جسمی اجتماعی، شناختی و عاطفی دانش آموزان مربوط است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران بر روی تأثیر توانایی های ذهن و شناختی بر عملکرد تحصیلی تأکید می کردند (سیف، ۱۳۸۶).

پیاژه^{۲۰} با تبیین تحول ذهن با این فرض که فرآیند تفکر در نوجوانی و بزرگسالی به لحاظ کیفی با فرآیند تفکر در دوران کودکی تفاوت دارد و نیز با تأکید بر ساختار تفکر و نه محتوای آن، جریان رشد شناختی را در طی چهار مرحله (حسی - حرکتی - پیش عملیاتی، عملیاتی عینی و عملیات صوری) تبیین می کند که ترتیب عبور از این مراحل برای همه افراد یکسان است. پژوهش ها نشان می دهند که بین رشد شناختی، و پیشرفت در مدرسه رابطه وجود دارد. به این صورت که دانش آموزان دارای رشد ذهنی بالاتر از پیشرفت بهتری در مدرسه برخوردارند. اما دانش آموزانی که از لحاظ رشد شناختی در مرحله عینی قرار دارند، تنها ۳۰ درصد از مفاهیم سطح عملیات عینی را درک می کنند و تقریباً قادر به درک هیچ یک از مفاهیم انتزاعی نیازمند به استدلال صوری نیستند. پژوهش های بسیار دیگری نشان داده اند که هوش و سطح توانایی دانش آموزان در پیش بینی موفقیت تحصیلی در مدرسه از اهمیت قابل ملاحظه ای برخوردار است. اما به مرور زمان مشخص شد که هر چند توانایی های ذهنی و شناختی تا اندازه ای با عملکرد تحصیلی رابطه دارند و تا حدود زیادی عملکرد تحصیلی را پیش بینی می کنند، اما تنها کلید پیش بینی موفقیت تحصیلی نیستند، به همین دلیل محققان در سال های اخیر متوجه یک سری از عوامل غیرشناختی شده اند که می توانند در عملکرد تحصیلی و به طور کلی موفقیت مؤثر باشند. بنابراین، چنانچه این اندازه های غیرشناختی را برای پیش بینی موفقیت به اندازه های هوش شناختی اضافه کنیم، پیش بینی موفقیت تحصیلی به طور معناداری و با احتمال بیشتری امکان پذیر می شود تا اینکه تنها از اندازه های توانایی هوش شناختی استفاده کنیم (یزدی، ۱۳۸۹).

به ذکر چند نمونه که تأثیر آشکاری در پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارند اشاره می شود:

الف- عوامل فیزیولوژیکی

این عوامل شامل متغیرهای بدنی و فیزیکی یاد گیرنده از جمله سوء تغذیه و سلامت جسمانی می شود (یزدی، ۱۳۸۹: ۱۸).

ب- عوامل روانشناختی

این عوامل شامل متغیرهای روانشناختی از جمله هوش، استعداد، خلاقیت خودپنداره، عزت نفس، نگرش نسبت به مسایل آموزشی، انگیزه پیشرفت، مکان کنترل و ویژگی های شخصی دیگر می شود. (قند ریز، ۱۳۸۹).

پ- عوامل محیطی

این عوامل در برگیرنده متغیرهای بیرونی شامل پایگاه اقتصادی و اجتماعی (درآمد، تحصیلات، محل زندگی) متغیرهای مربوط به خانواده (تعداد افراد خانوار، سبک فرزند پروری والدین، ارزش های فرهنگی خانواده) و متغیرهای مربوط به محیط مدرسه (شرایط مدرسه، مدیریت مدرسه، نگرش ویژگی های معلمان، فرهنگ و جو سازمانی مدرسه) می شود (اسبورن ۲۱، ۲۰۰۷: ۸۶).

ج- آمادگی

دانش آموز باید از لحاظ جسمی، عاطفی، عقلی و غیره رشد کافی کرده باشد تا بتواند به خوبی یاد بگیرد و یادگیری زمانی برایش سودمند خواهد بود که از هر نظر آمادگی لازم را داشته باشد. آمادگی یک فرد در زمینه های مختلف متفاوت است (رفعت جاه، ۱۳۸۶).

د- انگیزه و هدف

یادگیری معلول انگیزه های متفاوت است. یکی از این انگیزه ها که نقش مهمی در جریان یادگیری دارد، میل و رغبت شاگرد به آموختن است. برای اینکه شاگردان در ضمن یادگیری فعال باشند باید موضوعات بر اساس نیاز های شاگردان تنظیم شود. یکی دیگر از این انگیزه ها هدف است. در مدارس هدف های تربیتی باید انعکاسی از تمایلات شاگردان باشد (فرزانه، ۱۳۸۷).

و- تجارب گذشته

آموخته ها و تجارب گذشته "ساخت شناختی" وی را تشکیل می دهد. یک فرد زمانی می تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که مفهوم و مسئله جدید با ساخت شناختی او مرتبط باشد بنابراین، معلم همواره باید فعالیت های آموزشی را بر اساس تجارب گذشته شاگرد و متناسب با ساخت شناختی آن ها طراحی و اجرا کند. (ذکریا پور، ۱۳۸۷).

ه- روش تدریس معلم

بدون شک نیروی انسانی و به ویژه معلم، از مهمترین عوامل تشکیل دهنده محیط های آموزشی است. معلم در کلاس درس باید خود را به عنوان راهنما و ایجاد کننده شرایط مطلوب یادگیری بداند و به جای انتقال اطلاعات، روش کسب تجربه را به دانش آموزان بیاموزد. از سوی دیگر، نقش معلم در این فرآیند، آموزش مفاهیم اولیه علوم مختلف به دانش آموزان است. سپس وی را به استفاده از ابزارهای پیشرفته آموزشی ترغیب و راهنمایی کند. حال آنکه سیستم های سنتی، معلم به عنوان منبع دانش و علم شناخته می شود و دانش آموزان برای کسب اطلاعات باید در محضر معلم بنشینند و معلم دانسته خود را به دانش آموزان منتقل کند (نوری، ۱۳۸۲).

ی- مدت زمان تحصیل در مدرسه و منزل

مدت زمانی که به آموزش اختصاص داده می شود، در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نقش زیادی دارد به طور کلی هر چه کودک زمان بیشتری را صرف مطالعه کند با ثابت نگه داشتن بقیه عوامل، مطالب بیشتری فرا خواهند گرفت (عبادی، ۱۳۸۳).

۳-۱-۸. پایه اول ابتدایی

کلاس اول ابتدایی به دلیل مبدأ اقدام به تحصیل از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا کودکان بسیاری از کارها مثل خرید از بوفه، بازی کردن بدون نظارت والدین و غیره را برای اولین بار تجربه کرده و احساس استقلال می کنند. آن ها مهارت های اجتماعی را که در دوران پیش دبستانی کسب کرده اند را در این دوره به کار می برند مهمترین اهمیت پایه اول ابتدایی شناخت معنای واقعی

کلمات، حروف و اعداد است و در حقیقت پایه ی درسی و اخلاقی دانش آموزان در این مرحله شکل می گیرد. از طرفی کشف و پرورش استعدادها و توانایی های بچه ها برای مشارکت در فعالیت های سازنده ی اجتماعی، از جمله اهداف آموزش و پرورش به شمار می روند. به همین دلیل در این پایه ی تحصیلی پوش های تحت عنوان پوشه کار "که شامل تمامی فعالیت های کودکان است در اختیار والدین قرار می گیرد. اولیا دانش آموزان اول ابتدایی از طریق همین پوشه می توانند در جریان تمامی مراحل یادگیری و تدریس قرار گرفته و با معلمان همکاری لازم را داشته باشند (یزدانی نیا، ۱۴۰۱).

۳-۱-۸-۱. خصوصیت اصلی آموزگاران پایه اول ابتدایی

معلم پایه اول ابتدایی باید بتواند با قدرت عمل شگفت آور خود، عمق وجود کودک را تسخیر کند که مهمترین شرط آن، شرایط رعایت تجسمی (خود را به کودک زدن) و دانستن زبان کودک است.

۳-۱-۸-۲. تبدیل کلاس پایه اول به محیطی سالم و شاد با شناخت کودکان

اولین رمز موفقیت معلمان در پایه اول ابتدایی، شناخت و شناسایی کودکان از نظر ویژگی های ذهنی، روانی و خانوادگی و پی بردن به تفاوت های فردی در بین آنان است. در این ارتباط کافی است این فرموده پیامبر را سر لوحه ی کار قرار دهیم:

«مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَّ لَهُ»

کسی که کودک نزد اوست، باید با او رفتار کودکانه در پیش گیرد.

۳-۱-۸-۳. اهمیت آموزگاران پایه اول ابتدایی

کودکانی که در محیط خانواده برایشان شخصیت قائل هستند و به آن ها مسئولیت هایی هرچقدر کم می دهند کودکانی هستند که راحت تر و بدون حس ترس پا به مدرسه می گذارند ولی باید در نظر داشت کودکانی هم هستند که در خانواده خلع های تربیتی دارند. بنابراین، پایه اول ابتدایی مقطعی حساس برای پیوند کودک به مدرسه است. هرچقدر که یادگیری پایه درسی در این مرحله مهم است، ایجاد ارتباط بین دانش آموزان و دانش آموزان، دانش آموزان و آموزگاران، دانش آموزان و مدرسه نیز الزامی است. دانش آموزان پایه اول ابتدایی دوره ی حساسی از یادگیری را پشت سر می گذارند و در این سن پذیرای یادگیری و شکل گیری هویت خود هستند، آموزگاران این پایه از نقش مهمی در آموزش مهارت های اجتماعی به دانش آموزان دارند. با توجه به این مسئله که آموزش و پرورش زمینه ساز رشد فکری، اخلاقی، فرهنگی و تربیتی انسان های یک جامعه پویا است، آموزگار با استفاده از نفوذ معنوی و نقش الگویی خود، می تواند در پشبرد اهداف نظام آموزشی تأثیرگذار باشد. یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در سازگار شدن افراد با محیط آموزشی، همسالان و خانواده کسب مهارت های اجتماعی است و همین طور رسالت آموزش کمک به رشد همه جانبه است. بنابراین، در کنار آموزش مهارت های خواندن و نوشتن، حساب کردن و علوم باید آموزش هایی که برای فعالیت در اجتماع مورد نیاز است مورد توجه قرار گیرد. آموزش مهارت های زندگی به افراد توانایی ابراز احساسات و رفتار به صورت اصولی را می بخشد و باعث می شود از اعتماد به نفس و عزت نفس لازم برخوردار شوند و روابط اجتماعی سازگاران و مثبتی داشته باشند.

۴- نتیجه گیری

هویت و سبک های آن به شیوه های مختلفی که افراد به کشف، شکل دهی و نگهداری هویت خود می پردازند، اشاره دارد. این مفهومی است که تحت تأثیر عوامل مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی و روان شناختی قرار می گیرد. سبک هویت می تواند در فرآیندهای رشد و

تحولات فردی تأثیرگذار باشد و می‌تواند بر نحوه برخورد افراد با چالش‌ها، انتخاب‌ها و تعاملات اجتماعی‌شان تأثیر بگذارد. سبک هویت تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله فرهنگ، اجتماع، و زمینه‌های اقتصادی و سیاسی قرار دارد. افراد در جوامع مختلف، به‌ویژه در جوامع با تفاوت‌های فرهنگی، ممکن است شیوه‌های مختلفی برای ساختن و نگهداری هویت خود داشته باشند. هویت یک فرآیند پویا و در حال تغییر است که تحت تأثیر تجربیات فردی، بازخورد اجتماعی و تغییرات محیطی قرار می‌گیرد. این تغییرات ممکن است در مراحل مختلف زندگی و به‌ویژه در دوران بلوغ، انتقال به مرحله بزرگسالی، یا حتی دوران بازنشستگی بیشتر به‌وضوح قابل مشاهده باشد. بحث و نتیجه‌گیری جامع‌تر در مقاله‌ی اصلی ارائه می‌گردد.

منابع و مراجع

منابع فارسی

- احمدلو، حبیب. (۱۳۸۸). بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، احیا. (۱۳۸۸). نگاهی به استفاده از اینترنت در میان کودکان، نوجوانان و جوانان. برگرفته از اینترنت. روزنامه همشهری. بخش دانش. شماره ۴۱۴۳.
- آسانی، یدالله. (۱۳۸۱). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و پیشرفت تحصیلی در نوجوانان ۱۴ - ۱۸ ساله و والدین آن‌ها در دو گروه در معرض طلاق و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- امامی‌پور، سوزان، سیف، علی اکبر. (۱۳۸۲). بررسی تحولی سبک‌های تفکر در دانش‌آموزان و رابطه آن‌ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۹.
- امیدیان، مرتضی. (۱۳۸۹). هویت از دیدگاه روانشناسی. یزد: نشر دانشگاه یزد، جلد اول.
- بالایان، م. (۱۳۷۰). روانشناسی کودک به زبان ساده. تهران: انتشارات مشعل.
- بیرو، آلن. (۱۳۷۰). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: موسسه کیهان. مترجم باقر ساروخانی.
- پیری، لیلا، مهرناز، شهرآرای، (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین سبک‌های هویت، ابراز وجود و سبک‌های مقابله با فشار روانی نشریه مطالعات روان شناختی. دوره ۱، شماره ۲، ص ۳۹.
- تاروردی زاده، داوود؛ (۱۳۸۸). تبیین عوامل اثرگذار بر هویت ملی دانشجویان دانشگاه پیام نور استان اردبیل. ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۲۷ و ۲۸.
- جلایی پور، حمیدرضا. (۱۳۸۲). هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیت‌ها، سیاست خارجی. تهران: سال هفتم. شماره ۱، ۱۴ - ۱. حسینی. (۱۳۸۲). دانش‌آموزان و روش‌های آموزش مهارت‌های زندگی آن‌ها. تهران: انتشارات هنر آبی. تهران.
- حیدری، طیب. (۱۳۹۳). تعیین رابطه بین اعتیاد به اینترنت و سبک‌های هویت بین دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه پیام نور ابرکوه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره ۴، شماره ۲.
- خانیکی، هادی. (۱۳۸۳). هویت و گفتمان‌های هویتی در ایران، در هویت در ایران به اهتمام علی اکبر علیخانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ذکریا پور، محترم. (۱۳۷۷). رابطه بین رضایت شغلی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.
- رحمتی، رحیم. (۱۳۹۷). هویت یابی دینی در کودکان.
- رفعت جاهد، مریم. (۱۳۷۶). بررسی عوامل مؤثر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی. دانشگاه تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد.
- زهیری، علیرضا. (۱۳۹۰). چپستی هویت ملی. مجله علوم سیاسی. دوره ۱، شماره ۲۹، ص ۱۲.
- سفیری، خدیجه. (۱۳۹۰). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تاثیر خانواده. مجله پژوهش جوانان. مجله فرهنگ و جامعه. شماره ۲، دوره ۱ و ۲، ص ۴۵.

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۰). بررسی تحولی سبک های تفکر در دانش آموزان و رابطه آن ها با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری های آموزشی. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۱۹.

شبان، سعید. (۱۳۸۸). مکتب خانه و تاریخچه مدرسه در ایران و کشورهای اروپایی. ص ۱-۳-۵.

شکری، امید، کدیور، پروین، فرزاد، ولی الله، دانشورپور، زهره. (۱۳۸۷). رابطه ی سبک های تفکر و رویکردهای یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانشجویان. فصلنامه تازه های علوم شناختی. شماره ی ۳۰.

شیخاوندی، داور. (۱۳۸۷). میزگرد وفاق اجتماعی و همبستگی ملی. فصلنامه ی مطالعات ملی. ش ۱.

عبادی، رحیم. (۱۳۸۳). یادگیری الکترونیکی تهران: امیرکبیر.

عبداللهی، محمد. (۱۳۸۹). هویت جمعی. نامه ی انجمن جامعه شناسی ایران. دوره ۳، شماره ی ۱، ص ۶۳.

غضنفری، احمد. (۱۳۸۷). آشنایی با انواع هویت: «من» من، چگونه شکل می گیرد؟

فرزانه، پرویز. (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم مدارس راهنمایی تحصیلی شهر گنبد کاوس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

فرهنگ دهخدا. ۱۳۸۵. ج ۲، ص ۳۱۸۸.

قند ریز، آذر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه سازگاری اجتماعی و پیشرفت تحصیلی در دانش آموزان. نشریه عروس هنر. شماره ۱۱.

گنجی، حمزه. (۱۳۸۴). روانشناسی عمومی. تهران: نشر دانا.

لقمان نیا، مهدی و همکاران. (۱۳۹۰). شناسایی مؤلفه های هویت ملی در برنامه های درسی براساس نظریه داده بنیاد.

محمدمدی، م. (۱۴۰۰). بررسی رابطه سبک های هویت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره متوسطه. مجله روانشناسی تحصیلی و آموزشی.

معمار، رحمت اله. (۱۳۷۸). سنجش گرایش به هویت تاریخی. تهران: نشر اداره ی کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه های صدا و سیما.

نوری. زهرا. (۱۳۸۲). بررسی تفاوت های جنسیتی با توجه به نوع رابطه خلاقیت و عملکرد تحصیلی در دروس ریاضی، علوم و ادبیات دانش آموزان دبیرستانی شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

یزدانی نیا، ابراهیم. (۱۴۰۱). اهمیت پایه اول ابتدایی.

یزدی، سعید. (۱۳۸۹). مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مرزی و عادی پایه اول ابتدایی شهر ساری. نخستین همایش ملی شخصیت و زندگی نوین. دوره اول.

منابع انگلیسی

Livesley, W. J., & Bromley, D. B. (1973). Person perception in childhood and adolescence. London: Wiley.

Olson, Eric T. (2002). Personal Identity. Stanford Encyclopedia of Philosophy. First published.

Peeves, B. H., & Secord, P. F. (1973). Developmental changes in attribution of descriptive concepts to persons. Journal of Personality and Social Psychology, 27, 120-128.

Shantz, C.U. (1983). Social cognition. In p. H. MUSEN (series end). J. H. Flavell & E. M. Markman (Eds.). Handbook of child psychology: Vol. 3. Cognitive development (pp. 495_555, 4th ed). NEW YORK: wiley.

Simpson, J.A. & Rholes, S.W. (1998). Attachment theory and close relationship. New York: Guilford press.